

## تحلیل گفتمان جریان های فکری دوره حیرت در توقیعات و بینامتنیت های تاریخی\*

مسلم ناصری<sup>۱</sup>

### چکیده

فقدان ظاهری امام پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام سبب پراکندگی و فرقه گرایی گسترده ای میان شیعیان شد که به گفته ای به چهارده و به نقلی به بیست گروه شدند. این چندپارگی و سرگشتگی جامعه شیعی، در تاریخ به دوره حیرت شهرت یافته است که امام غائب برای رهایی شیعیان از حیرانی فزاینده، با صدور توقیعاتی، ضمن گرگشایی از مسائل شرعی و اعتقادی و مشکلات شخصی شیعیان، جریان های فکری نادرست را افشا و شیعیان را به راه درست رهنمون کرد. این نوشتار می کوشد ضمن بازنمایی بافت تاریخی دوره حیرت و با تأکید بر توقیعات به علل واگرایی شیعیان از مخالفان و همگرایی با دوستان پی ببرد که چگونه گفتمان شیعه با استفاده از شگردی روشنگرانه، با تبری جستن از مخالفان مذهبی، ضمن رسوا کردن مدعیان دروغین توانست در مقابل گفتمان های غالب سنی مقاومت کند و به عنوان گفتمانی پویا در صحنه سیاسی - مذهبی در اوج ناملایمات، خود را زنده و پویا نگهدارد. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه ای و به کارگیری تمهیدات بلاغی - بیانی، توقیعات را تفسیر، توصیف و تبیین خواهد کرد.

### واژگان کلیدی

غیبت صغری، دوره حیرت، امام زمان علیه السلام، تحلیل گفتمان، توقیعات.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۹

۱. نویسنده، پژوهشگر و دکترای تاریخ تشیع.

شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در جوانی (۲۸-۲۹ سالگی) موجب تحیر و سرگردانی شیعیان شد. از سویی عدم اظهار و حتی انکار داشتن فرزند از سوی نزدیکان امام و مخفی کردن و دور نگهداشتن وی از دید دیگران، به خاطر تلاش دربار خلافت برای شناخت امام بعدی، سبب شکل گیری انشعابات و انحرافات در جریان تشیع شد که به گفته نعمانی این انحرافات چند دلیل داشت: ۱. عدم علم و آگاهی از حقیقت؛ ۲. دنیاخواهی و زیاده خواهی؛ ۳. فریفته شدن از سوی شیطان؛ ۴. طلب ریاست و شهوت دنیاخواهی؛ ۵. سرانجام سست ایمانی و کم اعتقادی که موجب شد برخی بر امام قبلی باقی بمانند. (نعمانی، ۱۳۹۰: ۱۰-۱۲)

بر همین مبنا پس از تولد امام دوازدهم به خاطر فشار و اختناق دربار، هیچ شیعه ای اجازه اظهار مطلبی درباره امام حتی نام بردن اسم حضرت را نداشت؛ زیرا خلافت عباسی سخت به دنبال شناختن، یافتن و شاید قتل پیشوای شیعیان بود. در چنین فضایی پس از تولد، حضرت به مدت چهل روز به مکان نامعلومی منتقل و سپس به آغوش مادرش بازگردانده شد. (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۱۵۲) جاسم حسین از حکایات تاریخی چنین برداشت کرده که حضرت همراه مادر بزرگش به مدینه فرستاده شده و تحت سرپرستی وی پنهانی زندگی می کرده است. (جاسم حسین، ۱۳۷۷: ۱۲۴) با این همه امام حسن عسکری علیه السلام تولد فرزندش را به افراد معتمدش پنهانی و با نامه خبر داد و تأکید کرد که باید (این راز) نزد تو مستور و از مردم مکتوم بماند که ما جز به خویشان و دوستان اظهار نکنیم. (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۶۱) به دلیل نگرانی از اختناق حاکم بر جامعه و کوشش دشمنان برای یافتن پیشوای بعدی، از شیعیان خواسته شد حتی نام حضرت را بر زبان نیاورند و سکوت پیشه کنند وگرنه سزایشان آتش خواهد بود.

اما السکوت و الجنه و اما الکلام و النار فانهم ان وقفوا علی الاسم اذاعوا وان وقفوا علی  
المکان دلوا علیه. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۴)

در توقیع امام به عثمان بن سعید، به روشنی اختناق حاکم دوران عصر غیبت به خصوص سال های نخست نمود دارد. این هراس از سویی برای حفظ جان شیعیان و از طرفی برای به خطر نیفتادن شخص امام دوازدهم است که جاسوسان و درباریان سخت به دنبال وی بودند تا با بهره گیری از این فضا، گفتمان مغلوب نگهداشته شیعی را از صحنه سیاسی و فکری و اعتقادی جامعه حذف یا حداقل تضعیف کنند و به حاشیه برانند. به خصوص که در این سال ها به علت شورش های مخالفان حکومت، آشفتگی اوضاع سیاسی و اجتماعی و فکری قلمرو خلافت را در بر گرفته بود. مهم تر آن که این دوران، همسو با سالیانی بود که با غلبه ترکان بر

مراکز قدرت به خصوص بغداد و ترک تازی آنها موجب نارضایتی عامه مردم شده بود به طوری که با تصمیم دربار و شخص خلیفه، معتصم (۲۲۰ ق) پایتخت از بغداد به مکانی دور از بغداد یعنی سامرا انتقال یافت. (ابن اثیر، ج ۶، ۴۵۲) از طرفی در نیمه دوم سده سوم هجری شورش بردگان و مردم فرودست نسبت به ستم حاکمیت به رهبری صاحب الزنج (۲۷۰ ق) شکل گرفت که در مدت پانزده سال، هزاران کشته و آواره به جای گذاشت و اوضاع را بحرانی‌تر کرد. (همان: ج ۷، ۱۴۹) شورش‌های دیگر مثل طغیان مردم سامرا نیز بر بحران تاریخی - سیاسی موجود می‌افزود. (طبری، بی تا: ج ۹، ۴۷۰) قیام‌های متعدد شیعیان یا کسانی که خود را علوی و متشیع می‌دانستند همانند قیام یحیی بن عمر در کوفه (۲۵۰ ق) (همان: ج ۹، ۲۶۶) حسن به زید در طبرستان (۲۵۰ ق) (علویان طبرستان، ۱۳۶۸: ۸۰) و دیگر شورش‌ها نشان از آشفتگی اجتماعی قبل و بعد از غیبت صغری دارد.

خلافت عباسی در ابتدا با پشتیبانی از جعفر کوشید با تضعیف گفتمان مغلوب شیعی از سویی بر قیام‌های و حرکت‌های انقلابی شیعیان فائق آید و از طرفی بر مدعیان سرسخت جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی علویان معترض تسلط یابد و بر بحران‌های داخلی چون شورش ترکان در بغداد شورش چندین باره مردم در سامرا (ابن اثیر، ۱۳۹۸ ق: ج ۷، ۱۲۲) ظهور قرامطه در بحرین (مسعودی، ۱۴۰۲ ق: ج ۲، ۶۳۸-۶۶۶) و قیام‌های متعدد علویان در اقصی نقاط قلمرو خلافت چون ری (۲۵۰ ق) (ابن اثیر، ۱۳۹۸ ق: ج ۷، ۱۳۳) علی بن زید (۲۵۶ ق) در کوفه (مسعودی، ۱۴۰۲ ق: ج ۴، ۱۷۶) و متشیعان دیگر در بصره که خلافت را با مشکل مواجهه کرده بودند فائق آید.

همسو با این تغییرات تاریخی می‌توان به دگرگونی‌های فکری مذهبی جامعه نیز اشاره کرد که با رویگردانی هر یک از خلفا به سمت جریانی از تفکر، گفتمان‌های مذهبی هم متأثر می‌شدند. مثلاً از زمان مأمون و قبل‌تر پدرش هارون، با ترجمه کتب و آثار یونانی دنیای فکری جهان اسلام از لحاظ اندیشه‌ای متأثر و دچار دگرگونی فکری شده و به سمت خردگرایی متمایل گشته بود. غلبه هر یک از دو گفتمان معتزله بر اشاعره یا بالعکس، به خاطر توجه دربار به یکی از دو رویکرد فکری، سبب می‌شد که شیعیان از گزند این منازعات بی‌نصیب نمانند. با به قدرت رسیدن متوکل و تغییر نگرش وی به گفتمان اشاعره، شرایطی به وجود آمد که علاوه بر سرکوبی معتزلیان، شیعیان هم روزگار سختی را سپری کنند. به طوری که متوکل علاوه بر تخریب نمادهای شیعی یعنی مزار امام حسین علیه السلام، امام هادی علیه السلام را مجبور به ترک مدینه و اسکان در عراق کرد. (مسعودی، ۱۴۰۲ ق: ج ۴، ۵۵) و در امتداد آن، امام عسکری علیه السلام در پادگان

نظامی سامرا اسکان داده و محصور شد. به گفته شیخ طوسی سخت‌گیری بر شیعیان از سوی خلفای بعدی همچون معتضد چنان بود که از شمشیرها خون می‌چکید. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۷۹)

تلاش خلفا برای تسلط بر جریان مخالف یعنی گفتمان‌های غیرهمسو به خصوص تشیع راهی جز شناخت پیشوای واقعی آنها امکان نداشت. دستگاه خلافت با قراردادن جاسوس فراوان در خانه امام حسن عسکری علیه السلام پیگیر شناخت پیشوا و رابطین شیعیان با پیشوای بعدی آنان بود؛ به گونه‌ای که کسی توانایی ارتباط با امام عسکری علیه السلام و فرزندش امام مهدی علیه السلام را نداشت؛ جز افراد مورد اعتمادی چون عمه‌های حضرت و برخی از خواص (جاسم حسین، ۱۳۷۶: ۱۲۳).

سودجویی برخی از وکلای امامان از این اوضاع آشفته به دلایلی که از جانب نعمانی ذکر شد از دیگر عواملی بود که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام به خاطر عدم تعیین صریح امام بعدی (طوسی، ۱۳۸۶: ۳۴۳-۳۴۶) و ادعای امامت جعفر بن علی با توجه به داشتن پیشینه نه‌چندان مناسب از حیث عدم رعایت امور شرعی چون شرب خمر، شعبده‌بازی و دیگر گناهان (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۵۱۳) بر تحیر جامعه شیعی می‌افزود؛ زیرا به گفته امام در توقیعی عمومیش جعفر چنین توصیف شد "ستمگری بود که در مقابل خداوند بزرگ سرکشی کرد و مدعی مقامی شد که برای او نبود." (همان) این عوامل سیاسی و فکری سال‌های سختی پیش روی شیعیان در عصر غیبت صغری و دوران حیرت قرار داد.

جعفر پس از شهادت برادرش امام عسکری علیه السلام از عبیدالله خاقان وزیر معتصم برای دستگیری و سرکوبی شیعیانی که او را به عنوان وارث و پیشوای شیعیان قبول نداشتند درخواست کمک کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۰۵) این ادعا و حیرانی شیعیان در عدم شناخت امام واقعی و دیگر عوامل گفتمان درون شیعی موجب شد شیعیان دچار اختلافات داخلی شده و به گروه‌های متعدد تقسیم شوند؛ به طور مثال مخالفت برخی از بزرگان و علمای شیعی با وکلا و نواب بیشتر به این فتنه دامن زد. فتنه بزرگی که به گفته امام رضا علیه السلام به خاطر پژواک آن، گوش‌ها کرو و دوستی‌ها به دشمنی تبدیل و مردان و زنان مؤمن به خاطر آن داغدار و غمگین و سرگردان شده بودند. (نعمانی، ۱۳۹۰: ۲۸۶)

برای حل این مشکل و گذر از فتنه بزرگ، امام غائب برای هدایت جامعه تحت فشار شیعه و برای رفع مشکلات و خروج شیعیان از تحیر با صدور ده‌ها توقیع در دوره وکلای چهارگانه و پس از آن، ضمن پاسخگویی به مسائل نوپدید و مستحدثه با هدایتگری جامعه و ایجاد چهارچوب نظری مناسب برای آینده شیعیان برنامه‌ای راهگشا ارائه داد.

در این مقاله سعی خواهد شد با تحلیل محتوایی بخش‌های تاریخی توقیعات در بافت تاریخی یعنی سال‌های غیبت صغری، این مسئله توصیف، تفسیر و تبیین شود که چگونه حضرت با صدور توقیع در زمان و مکان مقتضی، سبب هویت بخشیدن به شیعیان و خروج گفتمان شیعه از سرگردانی شد. از سویی با تحلیل گفتمان تاریخی این توقیعات و بررسی آنها روشن خواهد شد که مشکلات و جریان‌های فکری درون گفتمان - شیعی و بیرون گفتمانی - (اهل سنت) این برهه مهم تاریخی چگونه بود که معصوم با تمهیدات بلاغی خاص در توقیعات خویش، ضمن هدایتگری جریان اصیل شیعی، برون‌رفت شیعیان از بحران را راهبری و با شناخت راه درست، آنها را به سوی آرمان شهر گفتمان شیعی ناب هدایت کرد.

### پیشینه تحقیق

محققان و پژوهشگران در کتب مربوط به امام زمان علیه السلام مطالبی مختصر درباره دوره حیرت نگاشته‌اند. تنها کتاب مستقل در این باب کتاب *عصر حیرت* نوشته محمود مطهرنیاست که به صورت توصیفی، دوره حیرت را به دو بخش حیرت عصر غیبت و حیرت عصر ظهور تقسیم کرده است. مقدمه و تقسیم‌بندی این کتاب به حیرت قابل توجه است؛ با این همه مهم مطالب این کتاب همانند دیگر کتب به سرگذشت امام زمان علیه السلام و اوضاع زمانه حضرت پرداخته است. در این اثر کمتر به تحلیل توقیعات برای برون‌رفت از شرایط حیرت اشاره شده است. «بررسی علل تحیر در ابتدای عصر غیبت و تمهیدات امام دوازدهم برای مقابله با آن» (مشرق موعود، ۱۳۹۷: ۱۲۹-۱۴۶) تنها مقاله مستقلی است که در این باب نوشته شده است. در این مقاله اگرچه به تفسیر اوضاع و شرایط زمانه و نوع پاسخگویی معصوم بدان پرداخته شده، ولی کمتر زمینه‌های تاریخی و اجتماعی این عامل مهم در مورد فرقه‌گرایی شیعیان واکاوی شده است. از سویی نداشتن چارچوب نظری مناسب سبب شده نویسندگان محترم کمتر در تحلیل اهمیت توقیعات در برون‌رفت شیعیان - به گفته امام رضا علیه السلام - از "فتنه بزرگ" یا بحران مشروعیت و سرگردانی توفیق یابند.

### چارچوب نظری و روش تحقیق

در بحث گفتمانی چگونگی نشان دادن رابطه و چارچوبی که متن با استفاده از عنصر زبان، محیط و بافت خاصی را تولید می‌کند تا به هدف خود برسد، بسیار مهم است. طبق نظریه فرکلاف، که متأثر از نظام زبان‌شناسی است، با کشف رابطه زبان و متن، از نسبت غیبت امام، پیرو آن حیرت شیعیان، باخوانش توقیعات می‌توان به گفتمان‌ها و جریان‌های فکری گفتمان

تشیع و گفتمان‌های مخالف پی برد. توصیف زبانی، تفسیر و تبیین لایه‌های متنی توقعات در پرتو کاربرد کنش‌های اجتماعی عصر غیبت، نشانگر پیچیدگی این دوره است. تحلیل‌گران گفتمان انتقادی، از جمله فرکلاف، سه اصل مهم را در تبیین دیدگاه خود مبنای کار قرار داده‌اند:

۱. زبانی که به کار برده می‌شود مجسم‌کننده دیدگاهی خاص راجع به واقعیت است؛ ۲. تنوع در گونه‌های گفتمان از عوامل اقتصادی و اجتماعی جدایی‌ناپذیرند. از این رو تنوع زبانی منعکس‌کننده و مبین تفاوت‌های اجتماعی ساخت‌مندی است که این تنوع زبانی را ایجاد می‌کند؛ ۳. به‌کارگیری زبان حاصل و بازتاب فرآیند و سازمان اجتماعی نیست، بلکه بخشی از فرآیند اجتماعی است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱). به عبارت دیگر، «کاربرد زبان معمولاً در عین حالی که سازنده هویت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام دانش و باورها است، توسط آنها نیز ساخته می‌شود» (آفاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۳۹-۵۴).

از منظر فرکلاف، سه مفهوم اصلی وجود دارد: ۱. رخداد ارتباطی یا همان قواعد دستور و ساختار زبانی؛ ۲. نظم گفتمانی؛ ۳. رابطه متن با دیگر متون یا بینامتنیت.

از دیدگاه وی، رخداد ارتباطی و نظم گفتمانی دو محور مهم در هر تحلیل گفتمانی است. چون «هر رخداد ارتباطی به منزله گونه‌ای از عمل اجتماعی برای بازتولید یا به چالش کشیدن نظم گفتمانی عمل می‌کند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۳). بدین ترتیب می‌توان «نظم گفتمانی را مفهومی دال بر وجود گفتمان‌های مختلفی دانست که تا حدودی قلمرو واحدی را تحت پوشش دارند؛ قلمروی که هر کدام از گفتمان‌ها برای پر کردن آن با معانی مورد نظرش با دیگران رقابت می‌کند» (همان: ۲۳۰) تا با تمرکز بر نظمی گفتمانی، امکان تحلیل گفتمان‌های دیگر هم فراهم شود.

به عقیده فرکلاف، بینامتنیت (رابطه متن اصلی با دیگر متون) خلأ میان متن و بافت اجتماعی را پر می‌کند و با تحلیل آن می‌توان صداهای مختلف متن را شنید. زیرا «متن‌ها وابسته به تاریخ و جامعه‌اند. بدین معنا که تاریخ و جامعه، منابعی هستند که تحلیل میان‌متنی را در نظم‌های گفتمانی ممکن می‌سازد. بنابراین، تحلیل میان‌متنی بر شرح و توصیف‌هایی درباره انواع مختلف گفتمان دلالت دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۲).

در روش فرکلاف با تحلیل نظام‌مند زبان و توجه به جزئیات، همیشه راهی برای شروع تحلیل وجود دارد که با استفاده از آن می‌توان ویژگی‌های متن را پیدا کرد که در قرائت‌های عادی نادیده می‌مانند. برای همین در این روش باید ابتدا گفتمان‌ها و نظم‌های گفتمانی را از

طریق بررسی اولیه متون، شناسایی، و سپس برای تحلیل انتخاب کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۷).

### تحلیل و تبیین مضامین توقیعات به عنوان گفتمان هویت بخش و رهایی بخش شیعیان در دوره حیرت

همان طور که در مقدمه ذکر شد اوضاع و شرایط پریشان حالی شیعیان به گونه ای بود که پس از شهادت ناگهانی امام یازدهم در جوانی در ۲۸ یا ۲۹ سالگی به سال (۲۶۰ق) (مفید، ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۴۰)، به خاطر فشار گفتمان غالب یعنی دربار و اهل سنت از سوئی؛ و شک در وجود و فرد متعین امام بعدی از طرف طرفداران (نعمانی، ۱۳۹۰: ۲۹۲) به دلیل قطع ارتباط با امام ظاهر، شیعیان به نقلی به ۱۴ شعبه (نوبختی، ۱۳۸۸ق؛ ۱۰۵) و به گفته المقالات و الفرق به ۱۵ فرقه (اشعری، ۱۳۶۰: ۲۰۵) و به نوشته مسعودی به ۲۰ گروه تقسیم شدند (مسعودی، ۱۴۰۲ق: ج ۲، ۵۷۲) و این، اوج بحران هویتی گفتمان شیعه را می رساند که با عدم وجود پیشوای ظاهر، دچار سرگردانی گشته و در فتنه بزرگ گرفتار شده بودند.

در چنین شرایط و اوضاعی امام غائب از طریق صدور توقیعات مشکلات عدیده شیعیان را رفع و موجبات خروج از حیرت و سرگردانی آنها را فراهم آورد که قریب به هشتاد مورد توقیع (مطهرنیا، ۱۳۹۶: ۱۳۹) از جانب امام معصوم در دو کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* صدوق و *الغیبه* شیخ طوسی با حذف مشابهات ذکر شده است.<sup>۱</sup>

بررسی و تحلیل گفتمان تاریخی این توقیعات به خوبی مشکلات دوره غیبت صغری و چگونگی خروج شیعیان از این بحران را پس از روشننگری امام معصوم نشان می دهد.

#### چرایی صدور توقیعات

صدور توقیعات پس از آن که رابطه امام معصوم با شیعیان قطع شد تنها مسیر برای حل مشکلات لاینحلی بود که موجب اختلاف شدید و فرقه گرایی شیعیان شده بود. همان طور که گذشت شرایط تاریخی خاص و نوع زیست پنهانی امام به دلیل هراس از گفتمان غالب حکومت عباسی (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۴) سبب شد جامعه شیعی دچار بحران رهبری و در اصل عدم هویت گردد. از سوئی عدم اعتماد شیعیان به برخی از وکلا و نواب به خاطر مخالفت بعضی از علمای شیعه چون شلمغانی که بعد از ادعای الوهیت مورد لعن قرار گرفت (همان: ۲۴۸) و

۱. اهم این توقیعات در دو کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* صدوق و *الغیبه* شیخ طوسی ذکر شده است.

گروهی مثل ابو محمد الشریعی به علت انگیزه‌های ریاست‌طلبی و مقام‌ادعای دروغین بابت حضرت کردند (همان: ۲۴۴). عده‌ای نیز به خاطر گفتارهای الحادی و کفرآمیز و افعال شنیع موجب وهن شیعیان شدند (همان) موجبات تردید و شبهه میان شیعیان حقیقی و یاران واقعی امام گردید. این عوامل باعث شد در اولین گام امام معصوم با صدور توقیع، ضمن بازنمایی و روشن ساختن خطرات زمانه در گام نخست و سپس با انکار و لعن مدعیان دروغین و ناهلان، اسباب رهبری واحد جامعه را فراهم آورد. همزمان با معرفی افراد صالح و درستکار و امین و قرار دادن آنها در امور مادی و شرعی و اخذ وجوهات شیعیان، این زمینه را فراهم آورد که مشکلات دوره حیرت کم‌رنگ و در نتیجه موجب زدودن شک و شبه از افراد سرگردان و حیران و رسیدن گفتمان حقیقی شیعی به آرامش گفتمان شیعی فراهم شود.

### توصیف توقیعات به عنوان رابطه رخدادهای برخاسته از بینامتنیت‌های تاریخی

صدور توقیعات متناسب با نیازهای شیعیان در دوره تاریخی عصر غیبت صغری، بازتاب‌دهنده وقایع تاریخی آن دوره است. با بررسی برخی از توقیعات می‌توان شاخصه‌های مرتبط با رخدادهای تاریخی دوره حیرت را چنین توصیف کرد.

اولین نکته مهم تاریخی، عدم وجود و حضور امام به طور علنی است؛ به طوری که شیعیان همانند دوره‌های قبل حتی در خفا هم نمی‌توانستند با وی در تماس باشند. عدم وجود امام در مکان مشخص و حتی انکار وی از سوی شیعیان و رابطان و وکلا، به خاطر ترس از شناسایی حضرت از سوی دشمنان و حتی عدم اجازه نام بردن اسم وی (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۴) نشانگر وضعیت دشواری بود که جامعه و گفتمان شیعی در این دوره دچار آن بوده بود.

تحلیل گفتمانی توقیعات به روشنی وضعیت تاریخی پیش‌آمده را توصیف می‌کند که چگونه جامعه در "عین بینایی" به "کوری" و پس از "هدایت" گرفتار "ضلالت" شده بود. بدین معنا که بخش مهمی از جامعه شیعه پس از شهادت زود هنگام امام عسکری علیه السلام در روزهای نخست عصر غیبت با پیروی از جعفر از راه حق منحرف گشت و در "فتنه افتاد و دچار حیرانی" شد. حضرت در توقیعی حیرانی جامعه را در انتخاب امام بعدی را همانند زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر امامان بیان کرد که در تعیین جانشین گرفتار سرگشتگی گشته و منحرف شده بود. با تأکید بر این نکته که پس از شهادت پدر، وی به جانشینی انتخاب شده که "مقدر الهی" است تا "روز موعود" مخفی بماند که آمدنش با "ظهور حق در زیباترین لباس و روشن‌ترین نشانه خواهد بود. به شیعیان توصیه کرد که به خاطر قضا و قدر الهی باید نسبت به انتظار "تسلیم اراده الهی"



بود. در پایان به شکاکان هشدار داد که از پیروی "هوا و هوس" دست بردارند و به اصول اولیه بازگردند. از دنبال کردن چیزهایی که پوشیده شده که باید در خفا باشد، دست بکشند چون ممکن است با فاش کردن اسرار به گناه آلوده شوند و موجبات پشیمانی را فراهم آورند. در پایان بر این مهم تأکید کرد که هر کس ادعای امامت و جانشینی کند دروغگو و افترازن بر خداست. (همان)

تحلیلی و ظریفانه این توقیع نشانگر خرده‌گفتمان‌های درون شیعی است. گفتمانی که جعفر را امام پنداشته و عده‌ای که دچار سستی و شک شده بودند، جریانی سومی که متوقف مانده و عده اندکی هم که برای رسیدن و کشف حقیقت بیش از حد مشغول جست‌وجو و فحص بودند.

در توقیع دیگری چنین توضیح آمده است که کنجکاوی بیش از حد سبب راهنمایی دشمن به امام خواهد شد و با نهی از این کار، کننده آن عمل را "مشرك" دانسته است؛ زیرا کنجکاوی در حالی که دشمن مترصد شناخت ولی حقیقی است سبب "رهنمونی به وی و به خطر انداختن جان امام" می‌گشت. برای رهایی از وضعیت شیعیان به "تقوا و اطاعت پذیر محض دعوت" و از ستمگری در حق امام و ادعای دروغین در غصب منصب امامت نهی شدند و در صورت عدم اطاعت سرانجام چنین امری آتش جهنم برایشان تعیین شد. (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۲، ۲۸۲)

در توقیع بعدی به احمد بن اسحاق، از شیعیان خواسته شد که به راه باطل نروند و با گزینش دیگری و غیراهل، به جای امام واقعی، گمراه نشوند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۷) و به بیانی ویژگی امام همچون عصمت و انتخاب از سوی خدا و داشتن حجت و... بر راهنمایی شیعیان بر دوری از غیر امام معصوم تأکید شد. البته همسو با این توقیعات تاریخی یا در ضمن آن مسائل اعتقادی و شرعی و کرامات بیان می‌شد که بررسی آن مقال دیگری را طلب می‌کند.

### تفسیر و رابطه رخداد‌های برخاسته از عصر غیبت صغری با عوامل بینامتنی در توقیعات

جدای از توصیف ساختار زبانی و قواعد دستوری که از دیدگاه فرکلاف بسیار مهم و پایه مراحل تفسیر و تبیین است، آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد توصیف توقیعات و پیوند آن با آموزه‌ها و باورهای شیعی دوران ابتدای عصر غیبت است. با این همه، چند متن انتخاب، و به

چگونگی ساختار زبانی‌شان و رابطه آن با متون تاریخی اشاره می‌شود.

اوضاع سخت و آشفته دوره ابتدایی عصر غیبت در این فقرات توقیع حضرت به روشنی دیده می‌شود. ساختار پرسشی و تأکیدی جملات و عبارات حضرت بیانگر شرایط سخت زمانه است. چگونگی در فتنه سقوط می‌کنند و در حیرت به سر می‌برند و به چپ و راست متمایل می‌شوند؟ آیا از دین خود جدا افتاده‌اند یا دچار شک و تردید شده‌اند؟ یا این که با حق به ستیز برخاسته‌اند؟ یا به روایات درست و اخبار صحیح نادان هستند؟ یا می‌دانند و آن را به فراموشی سپرده‌اند؟ آیا نمی‌دانید که زمین از حجت خالی نیست چه ظاهر در میان شما باشد و یا غایب؟ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۴)

کلمات "فتنه" و "سقوط" و "حیرت و شک" و "ستیز با حق" در برابر عبارات "روایات صادق و اخبار صحیح" و "خود را به فراموشی زدن" نشان از نوعی تقابل مفهومی گفتمانی است که زمان بیان این توقیع را توضیح می‌دهد که جامعه شیعه با وجود سابقه روشن و داشتن اخبار درست و صحیح به خاطر عوامل بیرونی تاریخی همچون ادعای امامت و جانشینی جعفر و توقف برخی دیگر از شیعیان و درگیری برخی از علما دچار چالش درونی و گرفتار گرداب شک و دو دلی شده است. در پایان این بخش از توقیع امام ضمن تأکید بر نقش امام و حجت، یادآور نکته مهمی می‌شود که اگرچه وی میان شیعیان و قابل رویت نیست اما طبق عقیده شیعی هرگز زمین از این امر خالی نخواهد بود. حضرت در چنین توقیع نسبت به ادعای دروغین جعفر چندین بار روشنگری می‌کند (همان) و این خطرناکی جریان جعفر را می‌رساند. البته مخالفان با حمایت قدرت حاکمه این از گروه‌ها امثال جعفر کذاب با گمراهی برخی در ایجاد فضای حیرت و شک نقش داشتند ماجرای حمایت دستگاه خلافت و تسلط جعفر بر اموال امام حسن عسکری علیه السلام مؤید این نظر است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۰۵) که خود "فتنه‌ای بزرگ" بود.

شاید همین اعتقاد سبب شده بود که برخی برای برون رفت از حیرت و زودن شک و شبهه خود و دیگران درصدد یافتن امام و جایگاه وی برآیند. امری که بسیار خطرناک بود و سبب شناخته شدن امام واقعی می‌شد و از طرفی به خاطر شرایط سخت زمانه ممکن بود به امام آسیب وارد شود. برای همین در توقیع دیگر با جملات کوتاه و بسیار روشن از شیعیان خواسته شد که دست از ماجراجویی برداشته شود.

"هر که بحث کند طلب کرده است و هر که طلب کند دلالت کرده است و هر که دلالت کند هلاک کرده است و هر که هلاک کند مشرک شده است" (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۲، ۲۸۲).

ابوصالح خنجدی نمونه شیعیانی بود که در پی یافتن امام وطنش را ترک کرده و در پی

کشف حقیقت و یافتن امام خود بود. رسیدن به معشوق برای عاشق شیرین است؛ اما با تمام علاقه دو فرد به هم این‌جا خجندی مورد عتاب قرار گرفت و از او خواسته شد دست از جست‌وجو بکشد و به خانه خود بازگردد. و در توقیعی دیگر تأکید شد که در برداشتن اسراری که بر شما پوشیده است نکوشید و از راه راست منحرف نشوید... (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۴).

نوع جملات کوتاه و نامعین در این توقیع نشان‌دهنده ابهامی است که به مخاطب یادآور می‌کرد حتی کوچک‌ترین کار مثل جست‌وجو پنهانی هم خطرناک است؛ زیرا این کار سبب راهنمایی به محل زندگی و پیرو آن شناخت امام می‌شد؛ در وضعیتی که دشمن سخت در تلاش بود با نفوذ در بدنه جامعه شیعی وی را بیابد و به وی آسیب برساند یا به شهادت برساند. عدم اعتماد برخی از شیعیان به کسانی که واقعاً نائب و وکیل امام بودند موجب شد امام با صدور توقیعات دیگری این مشکل را با همدلی کردن و خود را در غم شیعیان شریک دانستن حل کند. خداوند همه شما را از گمراهی و فتنه‌ها با عافیت نجات دهد و به ما و شما روح یقین عنایت فرماید. از بداندیشی در انتخاب راه زندگی و تحول به سوی بدی‌ها در پناه خودش حفظ فرماید. به من خبر رسید که گروهی از شما در باره دین و آنچه به آن مرتبط است (امام) دچار شک و حیرت شده‌اید. از این جهت غمگین شدم ولی نه برای خودم بلکه برای شما... (همان: ۲۸۵).

ساختار جمله‌ها و کلمه‌های موجود در این توقیع مثل گمراهی و فتنه، عافیت، روح یقین، انتخاب راه زندگی و تحول و شک و حیرت در این قطعه کوتاه سرگشتی و اوضاع زمانی و مکانی را بیان می‌کند که چگونه با عدم وجود ظاهری امام، جامعه شیعی دچار تزلزل شده است. بر همین اساس امام ناراحتی خود را ابراز می‌داد و در ادامه تأکید می‌کند "حق همه جا با ماست." و از شیعیان و یاران واقعی‌اش می‌خواهد که وحشت نکنند. (همان)

در توقیع دیگری با ذکر این مطلب که ادعای عمویش جعفر دروغ است، پیروی از وی گمراهی قلمداد شد و پیروی از وی موجب هلاکت دانسته شد و سپس حضرت تصریح کرد که چگونه (شیعیان) در فتنه در افتاده و در وادی سرگردانی گام می‌زنند و به چپ و راست می‌روند از دین‌شان دست برداشته‌اند و یا آن‌که شک و تردید کرده‌اند و یا آن‌که با حق عناد و دشمنی می‌کنند و یا آن‌که روایات صادق و اخبار صحیح را نمی‌دانند و یا آن‌را می‌دانند و خود را به فراموشی می‌زنند؟ آیا نمی‌دانند که زمین هیچ‌گاه از حجت خدا (که یا ظاهر است و یا نهان) خالی نمی‌ماند. (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۲، ۵۱۱)

متن فوق شرح‌دهنده اوج بحران و سرگردانی شیعیان در دوره حیرت است که تنها عده

اندکی چون عثمان بن سعید و پسرش بر راه هدایت پایدار نمانده و در تاریکی که تشخیص هدایت از ضلالت سخت است، راه درست را برگزیده و بر راه استوار حقیقی مانده‌اند؛ ولی عده بسیاری دچار فتنه و سرگردانی شده و به هر سو رفته و با شک و تردید به خاطر عدم علم و اطلاع صحیح یا هوا و هوس نفسانی انتخاب درست نکرده‌اند یا در اثر حیرانی به مسائلی پرداخته‌اند که سبب نگاه‌های غلوآمیز شده است. چنین حیرتی چنان بر اندیشه جامعه شیعی چنگ انداخته بود که با عدم ظهور امام برخی از شیعیان امام را بسان خدای تصور می‌کردند که روزی می‌دهد یا این که خداوند آنها را قادر بر خلق و روزی دادن می‌کند. این سرگشتی اعتقادی سبب شد که امام در جواب محمد بن عثمان نائب خاص ضمن دعای برای او و پسرش به این مشکل پاسخ دهد. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۴)

"خداوند شما را به خشنودی‌های خود سعادتمند سازد." این بیان دعایی را سببی نیست جز آرامش بخشیدن به وکیلی چون عثمان بن سعید و پسرش محمد که از سوی برخی بخشی از جامعه شیعی و بزرگان آن به چالش کشیده شده بودند. در توقیع دیگر به طور واضح تأکید شد که وکیل خاصه‌اش (محمد بن عثمان) همچون پدرش مورد "اعتماد" است و نوشته او همانند مکتوب حضرت است. (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۲، ۴۸۵)

البته اوضاع ابتدایی دوره حیرت با سال‌های پایانی عصر غیبت تفاوت ماهوی داشت. بررسی حوادث تاریخی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام نشانگر تلاش دربار خلافت برای نفوذ در پیکره جامعه شیعی و به دست گرفتن مهار هدایت آن از سوی یکی از نزدیکان امام مثل جعفر بن علی است. بر همین اساس دربار پس از واقعه دردناک شهادت امام یازدهم با حمایت و پشتیبانی از جعفر برادر امام در صدد برآمد با توجه به ارتباط وی با دربار خلافت و نشست و برخاست با وزرا و شخص خلیفه این طور وانمود شود که امام عسکری علیه السلام فرزندی ندارد. لیکن هنگام نماز خواندن بر پیکر امام، با حضور حضرت و درخواست از عمویش برای نماز نخواندن بر پیکر پدر تا حدی این توطئه رفع شد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۷۵) اما جعفر در مرحله با این ادعا که چون برادرش فرزندی ندارد وی میراث بر و جانشین وی است از وزیر و دستگاه خلافت کمک خواست. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۵۰۵) و تلاش وافری کرد تا مقام خود به عنوان پیشوای شیعیان تثبیت کند. و سپس با تمسخر اندیشه شیعی خبر دادن از غیب از سوی امام، هنگام ورود اهالی قم که خواستار خبر دادن از مقدار و چگونگی اموالی بود که آورده بودند از عبیدالله خاقان وزیر خلیفه خواهان دستگیری آنان شد (همان: ۲۲۶) که البته موفق نشد. اگر چنین اتفاقی رخ می‌داد از سویی هماهنگی دربار و جعفر سبب اطاعت‌پذیری شیعیان می‌شد.

درست شبیه سیاست مأمون که تلاش کرد تا با پذیرش ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام به اجبار، از شورش‌های علویان جلوگیری کند (عطاردی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۶۴). اما عصر خلفای قدرت‌مندی چون هارون و مأمون با دوره فترت از حیث تاریخی تفاوت ماهوی و اساسی داشت و خلفا نیمه دوم خلافت عباسی به خاطر درگیری با ترکان در دستگاه خلافت و شورش‌های پیرامونی نتوانستند از پس چنین امری برآیند. در ثانی شیعیان با توجه به گذشته تاریخی و نوع تعامل و تقابل با گفتمان غالب درصدد پیدا کردن جایگاه واقعی خود بودند. بر همین اساس نقش اساسی توقیعات برای برون‌رفت از این وضعیت مهم بود.

همان‌طور که در مرحله قبل بیان شد توقیعات جدای از بیان مسائل اعتقادی و فقهی در مقطع تاریخی هدفی جز تقویت گفتمان شیعی حقیقی نداشت تا با کمک آن بتوان علاوه بر غلبه بر اختلافات درون‌گفتمانی در برابر هجمه‌های گفتمان غالب سنی مقاومت کند و با بیان اصول و جایگاه اصیل رهبران شیعی همراه با کرامات و تأیید وکلا و افراد صالح شیعی، اعتماد از دست رفته در دوره حیرت را بازگرداند.

با بررسی توقیعاتی که حضرت در تأیید وکیل و نائب نخست و پسرش برای گذر از بحران تعیین‌جانشینی صادر کرد تا حدودی جامعه شیعی به آرامش قبلی بازگردانده شد و پس از آن با رد ادعای مدعیان دروغین درون‌گفتمانی همچون احمد بن محمد یساری (کشی، ۱۴۲۵: ۶۰۶) علی بن حسکه (همان: ۵۱۸) محمد بن نصیر نمیری (همان: ۵۲۱) و وکلای خانی چون فارس بن حاتم (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۱۰) احمد بن هلال عبرتایی (همان: ۸۳) و محمد عزاقری (حلی، ۱۴۰۲: ۲۵۳) در تثبیت جایگاه امامت و ولایت طبق نصوص و اندیشه اسلامی اهتمام ورزیده شد که امامان منصوب خدا هستند (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۲، ۴۸۵).

### تبیین و نظم‌گفتمانی حوادث و رخداد‌های دوره حیرت که منجر به صدور توقیعات شد

تبیین‌کنش اجتماعی، هم‌نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی را تعیین می‌بخشند و هم‌این‌که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). طبق این دیدگاه، نظم‌گفتمانی مفهومی دال بر وجود گفتمان‌های مختلفی است که تا حدودی قلمرو واحدی را تحت پوشش دارند؛ قلمرویی که هر کدام از گفتمان‌ها برای پُر کردن آن با معانی مدنظر خود، با دیگران رقابت می‌کند.

در دوره حیرت از سویی بین گفتمان‌های شیعی نوعی اختلاف و تنش بود و از طرفی گفتمان

غالب یعنی اهل سنت و دربار با این گفتمان دچار تضاد فکری و مذهبی بود. این اختلاف شدید درون گفتمان و بیرون گفتمانی سبب شد که با صدور توقیعات ابتدا از تشتت درون گفتمانی جریان شیعی کاسته شود و از طرفی با بیان مسائل اعتقادی و فقهی که مرکز اختلاف میان گفتمان درباری و مسلط اهل سنت و شیعیان بود تبیین گردد که چگونه شیعیان حتی با نبود رهبری که در ظاهر آنها را هدایت کند، باید به جهان گفتمانی پیرامون خود بنگرند و با مشکلات کنار بیایند تا کمتر آسیب ببینند. واکاوی توقیعات غیبت صغری به خوبی نشانگر این امر است چگونه که با قوت بخشیدن به دال مرکزی گفتمان شیعی یعنی اعتقاد به امام غائب با بهره‌مندی از شخصیت‌ها و حوادث پیرامونی و طرد منحرفان و مخالفان داخلی، گفتمان ناب شیعی در برابر گفتمان حاکم تقویت شد.

توقیعات نظام‌های گفتمانی موجود، تبیین‌گر گرفتاری جامعه شیعی در بحران هویتی است و این‌که جریان‌های مخالف چطور در پی آن بوده‌اند تا در فقدان ظاهری امام، دیگری را مغلوب و با گسترش هویت گروهی خویش، خود را اصل نشان دهد.

پس از تأمل و دسته‌بندی توقیعات به برای حل مشکلات شخصی، اعتقادی، فقهی و زوایای تاریک و جوه تاریخی زمانه یعنی دوره حیرت تبیین شد که توقیعات در اولین گام جهت جلوگیری از تشتت و فرقه‌گرایی و گرایش شیعیان به پیروی از امام غیرحقیقی صادر شد؛ حتی پاسخ پرسش‌های شرعی و اعتقادی بر همین نکته تأکید داشت که معصوم با درخواست از یارانش تقاضا می‌کرد که مدعیان را آزمایش کنند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۹) و با تمایز بخشیدن تفکر صحیح شیعی از افکار انحرافی و مخالف، این نکته مهم تاریخی تبیین شد که چگونه با شناخت وکلای حقیقی و تشخیص گروه‌های منحرفی که شیعیان واقعی را دچار شک و تردید کرده بودند راه درست انتخاب شود.

آنچه در گام نخست مهم‌تر از هر چیزی بود تعیین بخشی به رهبر و تمییز دادن امام واقعی از مدعی امامت بود. بر همین مبنا حضرت با نوشتن نامه به وکلای خاص در چند نوبت ضمن تأکید بر حق بودن خود کرد و جعفر و پیروان او را افراد کوری معرفی کرد که راه ضلالت و گمراهی را انتخاب کرده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۸۲: ج ۲، ۵۱۱) و با رسوا کردن جعفر به عنوان یک "شعبده‌باز و میخواره" و "معصیت‌کار" او را به عنوان یک مدعی دروغین برای همگان به خصوص شیعیان شرح داد و رسوایش کرد و از شیعیان خواست که وی را آزمایش کنند تا درک کنند مفتتری و دروغگویی بیش نیست؛ حتی حلال و حرام را از هم باز نمی‌شناسد و قدرت بر اثبات ادعای خود را ندارد. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۹)

در مرحله بعد هدایت خرده گفتمان دیگر این نظام گفتمانی بود، کسانی که کوله بار سفر بسته و تصمیم گرفته بودند با تمام مخاطرات زمانه برای رهایی از تحیر، امام حقیقی را بیابند و حداقل خود آرام گیرند که نمونه آن ابوصالح خجندی بود؛ با نپهی شدید از این کار از سویی بر سرگردانی دشمنان افزوده شد و از طرفی با توصیه به صبر و تحمل شدائد و با بیان خطرات این کار موجب آرامش بخشی به جامعه نگران شیعه شد؛ زیرا این کار هم موجب آسیب شیعیان و مهم‌تر خطری جانی برای امام بود؛ چون با شناخت امام و گرفتاری وی به دست دشمن هدایتگری جامعه ناقص می‌ماند.

خرده گفتمان دیگر گفتمانی انحرافی بود که تلاش داشت از فقدان امام سوءاستفاده کند و با رسیدن به امیال نفسانی خود به مقام و جاه این دنیایی برسد. کسانی مثل "ابن هلال" و "محمدنصیر نمیری" خود را باب امام معرفی می‌کردند تا بر رفتار و کردار شنیع خود را توجیه کنند. (کشی، ۱۴۲۵: ۵۲۱) با رسوا کردن این گروه از افراد غالی و منحرف، از فریب خوردگان خواسته شد که همه به سوی "دین حق برگردند و آنچه نمی‌دانند دست بردارند." (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۴۸۵) همسو با این خرده گفتمان انحرافی درون شیعی دیگر، گفتمان افراد متوقعی است که به علت نرسیدن به مقام معنوی و دنیوی یعنی وکالت، با انکار نائب یا خود امام بر تحیر شیعیان می‌افزودند. کسانی که توقع مقام دنیایی داشتند؛ ولی به خاطر مصالحی، دیگری به عنوان وکیل انتخاب شده بود. همانند حسین بن روح که از بزرگان آل نوبخت بود و با دربار رفت و آمد داشت و مورد اعتماد دستگاه خلافت بود. حتی مأمور املاک خاصه خلیفه بود. (جهشیاری، ۱۹۳۸: ۳۰۰) این امر بر افرادی مثل محمدبن علی عزاقری و برخی از شیعیان ناگوار می‌آمد. عدم شناخت اهداف و نداشتن اندیشه صیانت از شیعیان، به خاطر این امر که کمتر مورد شک قرار گیرند، سبب شد کسانی مثل عزاقری که گذشته روشنی میان شیعیان داشتند با مخالفت با انتخاب و انتصاب حسین بن روح از سوی امام، گفتمان شیعه را با بحران درونی مهلکی مواجه شود. زیرا کسانی مثل شلمغانی (عزاقری) می‌کوشیدند با پنهان شدن در گذشته موجه خود به عنوان عالم بزرگ و مورد تأیید امام قبلی، افعال و اعمال تفسانی خود را صحیح جلوه داده و حتی با ادعای خاص، نائبی مثل حسین بن روح را ناموجه قلمداد کنند که امام با تأیید حسن بن روح با لعن عزاقری مشکل را حل کرد. (حلی، ۱۴۰۲: ۲۵۳)

امام با صدور توقیعات افشاگرانه و بیان خاص، دسیایس خطرناک دوره حیرت را از میان برداشت و با آزمایش شیعیان و کراماتی مثل خبر از غیب و... برای رهایی از بحران عدم هویت چون خورشید پشت ابر جامعه شیعه حیران شده عصر غیبت را هدایت کرد به گونه‌ای که این

خرده گفتمان‌ها و جریان‌های انحرافی ضعیف و ناتوان شده مجال گسترش نیافتند. البته خرده گفتمان انحرافی وقفیه را نمی‌توان نادیده گرفت. اینان که در شناخت امام به خاطر عدم علم یا عدم اطلاع از تولد فرزندی برای امام و دلایل دیگر با پایبندی به گفتمان اصیل شیعه، امام حسن عسکری علیه السلام را آخرین رهبر و پیشوا می‌دانستند و معتقد بودند باید تا رفع شک و شبهه و تعیین امام بعدی توقف کرد (پورسیدآقایی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۸۲). باید توجه داشت نظام‌های گفتمانی درون شیعی در نظام بزرگ‌تر جامعه اسلامی قرار داشت. نظامی که ابعاد فقهی و اعتقادی و سیاسی و حتی تاریخی مخالف گفتمان شیعه بود. این گفتمان غالب که از سویی گرفتار شورش‌های داخلی فراوانی بود گرفتاری شیعیان را فرصت مناسبی می‌دانست تا با همسو کردن برخی از خرده گفتمان‌های درون شیعی مثل جعفر و دیگر جریان‌های غیراصیل با خود، برای همیشه بر گفتمان مهم و تأثیرگذار حقیقی شیعی غلبه کند.

در مجموع طبق توقیعات، حکومت و گفتمان غالب اهل سنت برای تسلط بر گفتمان شیعه دوازده‌امامی مراحل را طی کرد. در اولین گام درصدد پیدا کردن رهبر اصلی و امام منصوب بود. به طوری که با گماردن جاسوس میان شیعیان و در خانه امام حسن عسکری علیه السلام تلاش داشت از ماهیت جریان اصیل شیعی آگاه شود و با عدم موفقیت در این مرحله با حمایت از جریانی موافق خود یعنی جعفر کوشید که گفتمان شیعی واقعی را مصادره کند که توقیعات صادره این امر را خنثی کرد.

حاصل این که صدور توقیعات بهترین روشی بود که می‌توانست در عین محافظت بر جان امام، چون چراغی در تاریکی و عصر اختلافات شدید میان شیعیان، پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام جامعه شیعی را دوباره انسجام ببخشد و با زدودن شک و تردیدهای حاصله از این دوره و روشنگری نسبت به افراد مدعی و حتی افراد جاه‌طلب، کشتی بحران‌زده گفتمان شیعه را از طوفان سهمناک حیرت نجات ببخشد.

### نتیجه‌گیری

در نگاه نخست شاید توقیعات صرف نامه‌هایی قلمداد شود که امام معصوم صرفاً جهت راهنمایی شیعیان نگاشته است؛ ولی شمول مفاهیم گسترده این توقیعات بیانگر موضوع مهم‌تری است که این مقاله درصدد توصیف و تفسیر و تبیین آن بود. این توقیعات که شامل آموزه‌های اصیل شیعه در قالب نامه از سوی یک کاتب نادیده است که به صرف اعتماد به وکیل خاص وی مورد پذیرش قرار گرفته، شامل این نکته است که جدای از جنبه اطلاع‌رسانی،



اهداف عالی تری را مدنظر داشته است.

طبق نظریه فرکلاف، که هر جمله و عبارت در نوعی ساخت دستوری و قاعده زبانی، در بافت خود، شکل دهنده جامعه هدفی است که اهدافی را دنبال می کند، نقش توقیعات و حوادث و رابطه رخدادی این جملات و ترکیب خاص آنها و استفاده از تعبیری چون چون "شک"، "حیرت و فتنه" به دفعات زیاد از سوی حضرت نشانگر دوران سختی و آشفتگی وضع شیعیان در عصر غیبت صغری است. همسو با این تأکید امام بر عباراتی چون "ان الله معنا" و "الحق معنا" (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۸۵) و آوردن شاهد مثال از زندگی پیامبران تلاش شده وحشت دوران حیرت رفع شود و شک و تردیدی که بر جامعه شیعی سایه افکننده بود کاسته شود و این را جز با اطاعت از ولی امر ممکن نداشته است.

این ارتباط دستوری و زبانی با متن های دیگر شیعی، سبب نظم گفتمانی ویژه ای را تشکیل داده و روندش به سمت و سوی خاصی پیش رفته که با خوانش تفسیری و شناخت دانش زمینه ای، مخاطب منتظر ظهور مردی عدالت پرور و امام حقیقی باشد.

وجه نمادین در توقیعات و رابطه تاریخی و همسویی آن با باورهای اعتقادی اصیل شیعی، این مکتوبات را از سایر متون متمایز می کند. در مرحله تبیین مشخص شد که تنها باید به امام تمسک جسته شود که به عنوان عنصر رهایی بخش و هویت بخش شیعیان قادر است گروه ستمدیده (شیعیان) به عنوان یک گفتمان و جریان ضعیف نگهداشته شده در میان گروه های اجتماعی مخالف سنی مذهب، هدایت کند.

با تلاشی که شیعیان پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و در طول سالیان دوره حیرت نسبت به شناخت امام واقعی داشتند و با توجه به فضای خفقانی که گفتمان غالب برای یافتن امام بعدی در پیش گرفته بود و از سویی وجود شورش های بسیاری که به نام شیعه و غیرشیعه در قلمرو خلافت و سرزمین های پیرامونی مثل شام و مصر و ایران در جریان بود، و اقدام شهادتی برای رسیدن به خواسته های نفسانی خود با استفاده از این فرصت موجب صدور توقیعات، ابزاری برای دفع و رفع مشکلات عدیده گفتمان شیعی حقیقی شد. زیرا از سویی صدور توقیعات - جدا از جنبه مهم تاریخی آن که موضوع این مقاله است - همراه با ذکر کرامات و پاسخ به مسائل مهم اعتقادی سبب تقویت آموزه های درست و اصیل شیعی می شد و از طرفی با ایجاد بستر لازم موجب جریان سازی سالم برای دوره بعدی شیعه دوازده امامی را فراهم کرد و سبب گسترش آموزه ها و باورهای شیعی، و همدلی و انسجام گروه مغلوب و قلیل شیعه واقعی به عنوان عنصری رهایی بخش شد که سرانجام موجب هژمونی و تسلط آنان بر جریان های

انحرافی درون گفتمانی و بیرون گفتمانی یعنی حاکمیت غالب تسنن دوره حیرت گردید. در پایان شاید بتوان مهم‌ترین کارکرد توقیعات را از لحاظ تاریخی رهایی گفتمان شیعی از انحرافات درونی گروهی و هویت بخشی بدان در زمانه‌ای دانست که قلمرو خلافت عباسی را شورش‌ها و قیام‌های پیوسته فرا گرفته بود. خروج شیعیان از سرگردانی و رسیدن به آرامش یکی از مهم‌ترین کارکردهای تاریخی توقیعات است که جز با تحلیل گفتمانی قابل تبیین نیست. کشف معنای متونی که سبب پویایی و زنده ماندن شیعه دوازده امامی شد.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی (۱۳۹۸ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر.
۲. ابن بابویه، محمد (۱۳۸۲)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، جمکران، دوم.
۳. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰)، *المقالات و الفرق*، تصحیح: محمدجواد مشکور، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی.
۴. آقا گل زاده، فردوس؛ غیاثیان، مریم سادات (۱۳۸۶)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *مجله زبان و زبان شناسی*، شماره ۵.
۵. پورسید آقایی، سیدمسعود و دیگران (۱۳۸۳)، *تاریخ عصر غیبت*، قم، حضور، دوم.
۶. جاسم، حسین (۱۳۷۶)، *تاریخ عصر غیبت*، تهران، امیرکبیر.
۷. حکیمیان، ابوالفضل (۱۳۶۸)، *علویان طبرستان*، بی جا، الهام.
۸. حلی، حسن (۱۴۰۲ق)، *رجال العلامة الحلی*، تصحیح: محمدصادق بحر العلوم، قم، الشریف الرضی.
۹. چهشیری، محمد بن عبدوس (۱۹۳۸م)، *کتاب الوزراء و الکتاب*، قاهره، بی نا.
۱۰. سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نشر نی.
۱۱. طبرسی، احمد (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج علی اهل الجاح*، تصحیح: محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
۱۲. طبری، محمد (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الملوک و الرسل*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
۱۳. طوسی، محمد (۱۳۸۶ش)، *الغیبه للحجه*، قم، جمکران.

۱۴. عطاری، عزیزالله (۱۴۱۳ق)، *مسند امام رضا علیه السلام*، بیروت، دارالضوء.
۱۵. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه: فاطمه شایسته پیران؛ شعبانعلی بهرام پور؛ رضا ذوقدرامقدم؛ رامین کریمیان؛ پیروز ایزدی؛ محمود نیستانی؛ محمدجواد غلامرضا کاشی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
۱۶. کشی، محمد (۱۳۸۲)، *اخبار معرفة الرجال*، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۱۸. مسعودی، حسین (بی تا)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، بیروت، الشركة العالمية.
۱۹. مطهرنیا، محمود (۱۳۹۷)، *عصر حیرت*، قم، جمکران.
۲۰. مفید، محمد (۱۳۸۰)، *الارشاد*، بی جا، انتشارات اسلامیة.
۲۱. نجاشی، احمد (۱۳۶۵)، *رجال*، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم، جامعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم.
۲۲. نعمانی، محمد (۱۳۹۰)، *الغیبة*، قم، زلال کوثر، دوم.
۲۳. نوبختی، حسن (۱۳۸۸ق)، *فرق الشیعه*، تعلیق و تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، قم، نشر مکتبة الفقیه.
- یورگنسن، ماریان؛ لوئیز، فیلیپس (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران، نشر نی.